

مروری بر حاشیه نشینی

استاد ارجمند:

گردآورندگان:

بهار ۸۵

نگرشی بر نحوه ساماندهی حاشیه کلان شهرها

(نمونه کلان شهر مشهد)

چکیده

ساماندهی مکانی و فضایی حاشیه کلان شهرها، به ویژه کلان شهرهای مذهبی، با کارکردهای مشخص و معین اگر همراه با نگرشی ژرف و همه جانبه به عوامل به وجود آورنده و تشدید کننده آن نباشد، نه تنها مفید نیست، بلکه با گذشت زمان مسائل حاشیه نشینی را تشدید و مشکلات ناشی از آن را هم برای نواحی حاشیه ای و هم برای شهرهای مرکزی آنها افزایش می دهد. حتی در صورت نبود برنامه ریزی دقیق و منطقی به صورت ریشه ای آنرا از یک معضل و مشکل اجتماعی به یک بحران همه جانبه تبدیل خواهد کرد. این نوشتار به دنبال کشف اطلاعات و ابعاد مختلف زندگی حاشیه نشینان مشهد نیست بلکه دیدگاهی است نسبت به نحوه مطالعه حاشیه و حاشیه نشینان شهرهای بزرگ، همانند شهر مشهد، که تکامل آن نقد و بررسی صاحب نظران و اندیشمندان سایر رشته های جنبی را می طلبد.

معرفی ناحیه مورد مطالعه

با توجه به این که مشخصات هر شهر همانند: علت پیدایش، موقعیت و جایگاه آن

در میان شهرهای دیگر، نحوه زندگی، متابولیسم شهری، چگونگی تحول و تعامل آنها با هم در چگونگی جذب مهاجر و حاشیه نشین نقش عمده و اساسی دارد. بنابراین بی مناسبت نیست که مشهد و حاشیه آن به صورت گذرا معرفی شود.

آرزوی میلیونها تن در سال، موجب سفر حدود دوازده میلیون مسافری می شود که برای زیارت عاشقانه امام هشتم شیعیان- علیه آلاf التحیه و الثناء- و گذراندن اوقات فراغت خویش، راهی شهر مشهد می شوند.

شهر مشهد، در شمال شرق کشور به فاصله ۹۰۰ کیلومتری تهران، در منتهی الیه دامنه کوههای البرز شرقی قرار گرفته است که شمال و جنوب آن را تا هزاران کیلومتر صحاری گرم و خشک آسیای مرکزی، ایران و آفریقا، احاطه کرده است.

مشهد در بین شهرهای کشور و دنیا ویژگی منحصر به فردی دارد. این ویژگی آن را به

اولین کلان شهر مذهبی جهان تبدیل کرده است. بزرگترین شهر شرق کشور که بالاترین درصد جمعیت پذیری در سطح استان، بیشترین سهم ایرانگردی در سطح کشور را در اختیار دارد.

مشهد با جمعیتی برابر ۱/۸ میلیون تن در سال ۱۳۷۵ پس از تهران بزرگترین کلان شهر

کشور بوده است. این شهر در طول سالهای ۷۵-۱۳۵۵ پس از کرج بالاترین میزان نرخ رشد

جمعیت را در میان کلان شهرهای کشور دارا بوده است، که مسلماً بخش عمده این نرخ رشد بالا به حاشیه شهر مشهد اختصاص دارد. حاشیه ای که متجاوز از دویست کیلومتر مربع وسعت دارد.

جمعیتی حدود ششصد و پنجاه تن را در هفت شهرک و دویست و سیزده روستا در خود جای داده و دور تا دور شهر مشهد را در بر گرفته است. این جمعیت از جمعیت استانهای ایلام، سمنان و

کهگیلویه و بویراحمد بیشتر است؛ افزون بر این، جمعیت حاشیه شهر مشهد از جمعیت ۱۹ مرکز

استان کشور بیشتر است. بخشهای شمالی و شمال غرب آن هم از نظر وسعت بیشتر و هم از حیث

جمعیت بزرگترین لکه های حاشیه نشین شهر مشهد به شمار می رود. بیشتر ساخت و سازه ها در

این منطقه بدون برنامه بوده و اغلب آنها غیر قانونی و غیر مجاز بوده است. که بخش قابل ملاحظه

ای از هزینه های شهرداری را این مناطق به خود اختصاص می دهند. خلاصه آن که حاشیه، کانون

هزینه ها، کمبودها، نارضایتی ها، ناهنجاریهای اجتماعی و فرهنگی و مسائل ضدامنیتی است، علی

رغم اینکه دارای پتانسیل بالایی در بسیاری از زمینه ها نیز می باشد. بدیهی است در آینده ای نه

چندان دور در صورت بی توجهی به آن، این حاشیه با چنین ویژگیهایی سبب ناامن شدن شهر

مشهد خواهد شد. این موضوع به لحاظ ماهیت و ویژگیهای خود می تواند بالقوه حیات شهر مشهد

را به مخاطره اندازد، بنابراین مقابله با این معضل، ساماندهی شهر مشهد، به ویژه حاشیه آنرا

ضروری می سازد.

۱- مفاهیم، اهداف کلی و الزامات ساماندهی

اصطلاح حاشیه نشینی یا سکونتگاههای غیر رسمی بر فرایند تاریخی دلالت دارد که شکلهایی از تأمین مسکن و اسکان گروههای کم درآمد را به صورت غیر رسمی و غیرقانونی در برمی گیرد. با توجه به ساختاری این پدیده در زمان و مکانهای گوناگون اصطلاحات دیگری نیز مانند زاغه یا آلونک نشینی؛ اجتماعات آلونکی، سکونتگاههای خودرو (spontaneous) برنامه ریزی نشده، (unplanned)، غیرقانونی (illegal)، غیر رسمی (informal)، نابسامان و یا غیرمنظم (irregular) و ... برای آنها بکار برده اند که هیچکدام از آنها نمی توانند الزاماً به تنهایی تمامی وجوه آنرا بیان بکنند و فضای مفهومی آن را بصورت دقیق مشخص کنند. در اینجا حاشیه را به سکونتگاههایی اطلاق می کنیم که در محدوده قانونی شهر مشهد ولی در خارج از محدوده خدماتی آن بصورت غیررسمی و خودجوش پا گرفته اند. مشهد در بین کلانشهرهای کشور جایگاه ویژه ای دارد و با توجه به نقش مهم آن، به عنوان شهری سیاحتی و زیارتی، نه تنها در داخل بلکه در سطح بین المللی دارای عملکرد خاص خود است، بنابراین در فرایند تصمیم سازی و برنامه ریزی، نه تنها نگرش ملی، بلکه رویکردی فراملی را می طلبد، لذا مشی و مرام برنامه ریزی و اهداف کلی آن در سطح کلان، نه تنها باید معطوف به تأمین زندگی مرفه و مطلوب شهروندان مشهدی باشد، بلکه باید شرایط مطلوب و مناسب زندگی را برای دوازده میلیون

تن زوار و مسافری که هر ساله با هزاران امید به این شهر وارد می شوند، نیز تأمین کند. این موضوع نه تنها مستلزم سوق دادن سرمایه گذاریهای کلان در زمینه های مختلف اقتصادی است،

بلکه تأمین امنیت، ایجاد فضاهای مطلوب زندگی، بسترسازی برای ایجاد آرامش فکری و روحی مسافران از طریق توزیع مطلوب امکانات و خدمات رفاهی در سطح شهر و از بین بردن اختلافات

ناحیه ای و جلوگیری از بروز ناهنجاریهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در سطح کلان شهر مشهد را نیز مطلوب می کند. بدیهی است بی توجهی به این موضوع و کم ارزش دانستن مسائل

بالا، نه تنها مسائل و مشکلات زیادی را موجب خواهد شد، بلکه به تدریج پایداری کلان شهر مشهد را مورد تهدید قرار خواهد داد. بنابراین جهت پشت سر گذاشتن این مشکلات و رسیدن به

یک بستر هموار برنامه ریزی و دادن بروکف به آن، مستلزم نگرش ویژه به کلیت موضوع و ساماندهی فضای مجموعه شهری مشهد است که در برگیرنده خود مشهد، حاشیه مشهد و فضاهای

روستایی و شهری اطراف آن است، زیرا عملکرد مطلوب این فضاهاست که شرایط زیست مطلوب انسانی را در فضای مجموعه شهری مشهد فراهم می آورد. بر این اساس به نظر می رسد

سازمانهای اجرایی و شهرداری مشهد ناگزیر از:

۱- تدوین برنامه پنج ساله شهر مشهد و انطباق آن با برنامه پنج ساله سوم توسعه کشور

خواهد بود که مشهد را نه تنها به صورت یک شهر، بلکه به صورت یک فضای شهری گسترده در

نظر می گیرد که برنامه بالا دست برای کلیه فعالیت ها و طرحهای اجرایی در فضای شهری مشهد خواهد بود. به عنوان مثال می توان به طرحهای زیر اشاره کرد:

- طرح مطالعات گردشگری.
- طرح تحول اداری.
- طرح جامع مطالعات حمل و نقل.
- طرحهای جلب مشارکت مردمی و سرمایه گذاریهای کلان اقتصادی.
- طرح توسعه فضای سبز.

طرح ساماندهی حاشیه شهر و طرحهای دیگر ...

۲- تودین برنامه اصلاح مدیریت کلان شهری مشهد در انطباق با سایر مراکز شهری استان به عنوان دومین کلان شهر مذهبی دنیا، بزرگترین کلان شهر شرق استان با رویکردی آزمایشی، تنسيق محیط طبیعی و انسانی و فعالیتهای منطبق بر آن.

اصل مسلم این که عملکرد مطلوب شهر مشهد را نمی توان تنها در درون آن جستجو کرد، بلکه برخی سازوکارهای آن در سایر نقاط شهری و روستایی استان و کشور نهفته است. بنابراین طرح ساماندهی حاشیه شهر مشهد بدون داشتن ارتباط منطقی با طرح جامع مشهد و آن هم در راستای برنامه های توسعه کلان ملی و استانی، مفید نبوده و حتی در بهترین شرایط پیش بینی و اجرا نیز ناهماهنگیهای را در فضای شهری مشهد و استان موجب خواهد شد. اکنون برای چیده

شدن بر مشکلات و برآورد برخی از اهداف بالا، طرح ساماندهی حاشیه شهر مشهد به صورت پیشنهادی با مشخصات و ویژگیهایی ارائه می شود.

۲- معرفی موضوع و تدوین مسأله تحقیق و تبیین موقت آن

حاشیه نشینی، اسکان غیر رسمی یا اجتماعات آلونکی، زاغه نشینی و ... در ایران که در دهه های گذشته به آنها گودنشینی می گفتند برای اولین بار پس از جنگ جهانی دوم در تهران پای به عرصه نهادند اما رشد خیره کننده آن به واسطه دهه ۴۰ شمسی بازمی گردد. امروزه در اکثر شهرهای بزرگ کشور که رشد جمعیتی بالایی دارند اسکان غیررسمی (حاشیه نشینی) پدیده ای متداول است که فرایند رشد آن سر باز ایستادن ندارد. حتی در دهه های اخیر رشد اسکان غیررسمی با رشدی سریعتر از رشد شهرنشینی مواجه بوده است.

در صورتی که شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی کشور به شکل کنونی ادامه یابد و تمهیداتی جهت کاهش روند آنها اندیشیده نشود افزایش شمار ساکنان غیررسمی چهره شهرها را دگرگون خواهد ساخت. این امر با توجه به روستایی شدن حاشیه شهرها، مسائل و مشکلات جدی گوناگونی را فراروی مدیریت شهری کشور قرار خواهد داد که از ابعاد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و فیزیکی گوناگونی برخوردار است که ذیلاً به آنها اشاره می گردد.

الف) نحوه گسترش و رشد فیزیکی شهر:

به موازات رشد شهرنشینی در کشور و گسترش چشمگیر آن در دهه های اخیر

سکونتگاههای نامتعارف و خودانگیخته ای درون یا مجاور شهرها- با تقدم در مجموعه های

شهری بزرگ و پرتوان، به سرعت ایجاد شده و رشد یافته اند. این رشد و گسترش بدون داشتن

ارتباط منطقی و سنجیده با توانهای محیطی شهرها، فضای کالبدی و فیزیکی آنها را تحت تأثیر

قرار داده و موجب پیدایش لکه های جمعیتی با مشخصات ویژه خود از قبیل پیوستگی عملکردی

با شهر اصلی ولی گسست کالبدی از آن، محیطی با کیفیت پایین زندگی، مسکن شتاب زده و

نابسامان و بافت مسکونی غیرمتعارف ... گردیده است.

فضای شهری مشهد نیز تحت تأثیر عوامل فوق الذکر، به دلیل وجود محدودیت

های مرفولوژیک و جغرافیایی از سمت جنوب شرق و شرق، محدودیت های اقتصادی از سمت

جنوب، وجود امکانات توسعه و گسترش در سمت غرب و شمالغرب، نه تنها به لحاظ

مرفولوژیکی بلکه از نظر اقتصادی و وجود عوامل تشدید کننده جذب جمعیتی در محور مشهد-

قوچان گسترش بی سابقه ای یافته است. که عمده جمعیت حاشیه نشین یا اسکان غیررسمی مشهد

نیز در این قسمت قرار داشته و روز به روز در حال گسترش نیز می باشد. لازم به یادآوری است

که حاشیه نشینی در شهر مشهد نه بصورت امروزی آن بلکه عمدتاً بصورت زاغه نشینی سابقه بس

طولانی دارد که در حاشیه و یا در دل شهر سکنی گزیده بودند. در هر حال تداوم این روند

گسترش که ناشی از شرایط ویژه این منطقه است، کم کم مشهد را به یک متروپل خطی تبدیل

خواهد کرد که تا کیلومتر ۲۵ جاده مشهد- قوچان کشیده خواهد شد. تحقق چنین شرایطی خدمات رسانی را به لحاظ برنامه ریزیهای شهری با مشکلات زیادی روبرو خواهد ساخت.

ب) ساخت و بافت جمعیت:

با توجه به این که محل تولد و اقامت بیشتر ساکنان حاشیه شهر یکی نیست، بنابراین بیشتر آنها مهاجر غیر بومی محسوب می شوند. در حقیقت این افراد همان رانده شدگان داخلی شهر مشهد و مهاجران وارده از نواحی روستایی یا شهری کوچک اند که از خاستگاههای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی متفاوتی برخوردار می باشند. تنوع قومی، زبانی، فرهنگی، مذهبی و ... از دیگر ویژگیهای آنهاست. با توجه به روند فزاینده مهاجرت به حاشیه و بالا بودن میزان رشد جمعیت در آن (رایشی و تحرک مکانی) و تراکم بالای جمعیت در واحد سطح و از همه مهمتر جوانی بیش از حد جمعیت، همراه با بافت کالبدی خود، مختصات ویژه ای را در بافت جمعیتی و ترکیب آنان به وجود آورده است. این ترکیب جمعیتی جوان علاوه بر پیامدهای نامطلوب اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ... مشکلاتی را در سالهای نه چندان دور برای فضای شهری مشهد ایجاد خواهد کرد.

این مهم به ویژه با جذب تدریجی آنها در فرهنگ شهری و بالا رفتن سطح سواد و توقعات آنها، کم کم شکاف سنی و جنسی در ترکیب جمعیتی ظاهر و آنها را در معرض آسیب

پذیری به علت نداشتن هویت مستقل، قرار می دهد که ناپایداری این جمعیت، نبود اشتغال و درآمد پایدار، آسیب پذیری آنها را نیز تشدید خواهد کرد.

ج) آسیب پذیری اجتماعی و شهری:

همان گونه که پیشتر خاطر نشان شد، حاشیه شهر مشهد را افرادی با خاستگاههای مکانی متفاوت (شهری، روستایی) و پیشینه های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی مختلف، نظام های ارزشی و ویژگیهای روحی عاطفی و قومی نامتجانس تشکیل می دهند که عوامل بالا همراه با تراکم بیش از حد جمعیت و رشد فزاینده آن، نبود انطباق بین رشد جمعیت و رشد فرصتهای شغلی، بالا رفتن نرخ بیکاری و پایین بودن درآمد خانوار و آن هم ناپایدار و از همه مهمتر در نتیجه تسلط مناسبات تولیدی سرمایه داری با زیربنای فرهنگ سنتی و روستایی که حاصل آن قطع شدن تعلقات قومی و خانوادگی و ناتوانی در برقراری ارتباط معقول و منطقی با محیط جدید است، باعث ایجاد تضاد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی شدید و در مجموع از هم گسیختگی فرهنگی در بین آنها شده است. مجموعه عوامل بالا دست به دست هم داده و لکه های جمعیتی را در حاشیه شهر با عنوان حاشیه نشینان و یا کانونهای زیستی ناپایدار به وجود آورده است که بدون هیچگونه برنامه ریزی اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، رشد و تکوین یافته و به تدریج به علت عدم

هضم و جذب در فرهنگ و بطن جامعه شهری و تداوم زندگی غیرقانونی همراه با استرس، حداقل در طول یک نسل.

(د) فعالیت اقتصادی، اشتغال و بیکاری

علی رغم این که مجموعه جمعیت ساکن ناحیه حاشیه ای شهر با رشد جمعیتی فزاینده و ترکیب سنی و جنسی ویژه و حجم بالای ورودی به جرگه فعالان و ... از کلیه جهات ناهمگن و نامتجانس است، ولی با این وجود می توان وجوه اشتراک آنها را از نظر اقتصادی به شرح زیر مورد توجه قرار داد:

- ۱- درآمد ناکافی، ناپایدار و در بعضی موارد فاقد درآمد شغلی.
- ۲- نبود فرصت‌های شغلی یا عدم انطباق مهارت‌های شغلی ساکنین با ماهیت مشاغل.
- ۳- پایین بودن سطح سواد به ویژه در بین جمعیت فعال و در نتیجه پایین بودن کارایی و بهره وری آنها.
- ۴- نبود رابطه معقول بین درآمد، حجم خانوار و هزینه های آنها.
- ۵- بالا بودن بار تکفل، پایین بودن ضریب اشتغال و در نتیجه بالا بودن نرخ بیکاری هر چند فصلی.
- ۶- نبود اشتغال در سطح حاشیه برای ساکنان و بالا بودن ضریب مسافت طی شده روزانه برای کار.

ه) فضای کالبدی حاشیه شهر

همان گونه که قبلاً عنوان شد، حاشیه شهر مشهد همانند سایر نواحی حاشیه ای

شهرهای بزرگ کشور علاوه بر تبعات نقش زیارتی و سیاحتی آن، در نتیجه عدم تعادل‌های فضایی

تبدیل به هسته های جذب جمعیتی نامتجانس و ناهمگن شده است. که به دور از هرگونه نظام

برنامه ریزی شهری و فارغ از نظام استقرار قانون مند و معقول و بدون کوچکترین تفکر و

مالاندیشی به صورت خودجوش، نه برنامه ریزی شده رشد و تکوین یافته است که هیچ گونه

ارتباط معقول و منطقی بین بدنه شهر و حاشیه و نواحی پیرامون آن که رشد و توسعه و تکامل این

ناحیه را کنترل کند، وجود نداشته است. عوامل بالا همراه با فشردگی استقرار و بالا بودن تراکم

در واحد سطح نه تنها خدمات رسانی را دشوار و پر هزینه می کند، بلکه جابه جایی افراد را در

سطح وسیع به منظور دسترسی به خدمات مزبور موجب شده است که این موضوع بخش عمده ای

از درآمد آنها را بلعیده و همراه سایر عوامل و تبعات سوء حاشیه نشینی قدرت خرید آنها را تحلیل

می برد. در نهایت می توان مسائل و مشکلات گسترش بی رویه افقی کلان شهرها، به ویژه شهر

مشهد را که در نتیجه مهاجرت‌های درونی و بیرونی است، به شرح زیر مطرح کرد که طرح‌های

ساماندهی باید خود را در جهت چیره شدن بر آنها تجهیز نمایند.

۱- نبود جایگاه قانونی و مدیریتی حاشیه شهر.

۲- مشکلات بافت فیزیکی فضای شهر مشهد و چگونگی ارتباط آن با حاشیه شهر.

۳- مسائل حقوقی و نحوه تملک اراضی و مساکن، چگونگی ساخت و سازها و پیشینه

های تاریخی آن.

۴- نوع و نحوه گسترش حاشیه در ارتباط با وضعیت مرفولوژیکی ناحیه شهری مشهد

در ارتباط با بدنه شهری و چگونگی محدود کردن آن.

۵- مشکلات زیرساختی از قبیل منابع طبیعی و زیست محیطی: انواع آلودگیها و ...

۶- مشکلات زیربنایی و دسترسی به شبکه های خدماتی شهری و ناکارآمدی شبکه

های خدماتی فعلی خود ناحیه حاشیه.

۷- مشکلات اشتغال، فرصت های شغلی، عدم دسترسی به مشاغل پردرآمد و زیادی

فاصله بین محل کار و محل اقامت.

۸- ساخت و ترکیب سنی جوان و افزایش جوانان آماده به کار و ورود تدریجی آنها

به جرگه بیکاران نه شاغلان.

۹- تنوع و گوناگونی فرهنگی، عدم جذب در فرهنگ شهری، احساس تنهایی و

زندگی به صورت غیرقانونی و از دست دادن هویت فرهنگی خود بدون این که هویت جدیدی

پیدا کرده باشند.

۱۰- توزیع و پراکندگی لنزهای جمعیتی در نواحی مختلف حاشیه تحت تأثیر فشارهای

اقتصادی، اجتماعی و قانونی نه برنامه ریزی شده و مطلوب.

۱۱- ترکیب جوان و افزایش طبیعی جمعیت و ورود فراینده مهاجران شهری و روستایی

به آن بافت کالبدی خود جوش و ناکارآمد و نامطلوب را تحت فشار قرار می دهد که این بافت

نامطلوب به نوبه خود نیز ترکیب جمعیتی، خصوصیات اخلاقی و روحی و حتی اعمال فردی را نیز

تحت تأثیر قرار می دهد. بدیهی است این مسأله آسیب پذیری جمعیت را بالا برده و نابهنجاریهای

روحی و روانی را نیز به دنبال دارد.

۱۲- مجموعه عوامل بالا خصوصیات و ویژگیهایی را بر جمعیت حاشیه تحمیل می

کنند که آن ویژگیهای خاص، لنزهای جمعیتی نامنی را برای شهر به وجود می آورد و با توجه به

نقش ویژه آن امنیت از الزامات اولیه آن است.

بنابراین با توجه به مسائل و مشکلات طرح شده می توان عنوان کرد که:

سکونتگاههای ناپایدار گروه های کم درآمد شهری را می توان

نمادی از به حاشیه رانده شدن و فروافتادن در انزوای اجتماعی گروههای کم

درآمد (ناشی از عدم بهره مندی از منابع و ملحوظ شدن به عنوان گروههای

هدف در برنامه ریزی) و گست کالبدی از پیکره شهر و در هم ریختگی درونی

(از حیث فقدان یا کمبود خدمات شهری) به حساب آورد. لذا می توان گفت که

مسائل و مشکلات حاشیه شهر مشهد نهفته در خود آن نیست؛ بلکه نتیجه عدم

تعدلهای فضایی در فضای شهری مشهد، استان و دیگر استانهاست.

بنابراین حل مسائل و مشکلات حاشیه نشینی حداقل در راستای برنامه

ریزیهای شهرستانی، استانی و ملی و با الگو قراردادن نگرشهای ویژه ای که بعداً به

آنها اشاره خواهد شد، امکانپذیر خواهد بود. در حقیقت بدون برنامه های

بالاسری، حل مشکلات حاشیه، موضعی و ناپایدار خواهد بود.

۳- ویژگیهای حاشیه شهر مشهد

در حال حاضر، همان گونه که پیشتر عنوان شد، سازمان قضایی حوزه های پراکنده و به

هم پیوسته حاشیه شهر مشهد دارای ویژگیهایی است که از آن به عنوان نابسامانی نظام استقرار و

الگوی توزیعی در حوزه های کوچک و بزرگ روستایی و شهری یاد می شود. شاید بتوان عمده

ترین مسائل و مشکلات موجود در سازمان قضایی آن را به طور خلاصه به شرح زیر نام برد.

۳-۱. نابسامانی در نظام استقرار و الگوهای توزیعی جمعیت که به صورت لنزی پیوسته یا

ناپیوسته با شهر مشهد تکوین یافته و هیچگونه ارتباط منطقی، معقول و قانونی میان مؤلفه های

تشکیل دهنده سازمان فضای جغرافیایی آن مشاهده نمی شود.

۳-۲. نابسامانی در پیوند حوزه های سکونتی با بدنه نظام شهری مشهد، به طوری که این

ناحیه در کل با نام حاشیه شهر مشهد مشخص می شود.

۳-۳. ساخت و سازهای شتابان، بی رویه و غیر قانونی.

۳-۴. محرومیت و نابسامانی شدید از حیث امکانات اجتماعی، اقتصادی، خدماتی و در

مجموع خدمات زیربنایی و روبنایی که حداقل آن رازندگی یک فرد انسانی طلب می کند.

۳-۵. نابسامانی و بی ثباتی شدید جمعیتی و گسترش روزافزون آن، در نتیجه ناپایداری

جمعیت در سطح استان و کشور به ویژه در روستاهای کوچک، که نتیجه آن تشدید مهاجرت‌های داخلی و جذب جمعیت در حال حرکت به نواحی پرتوان است.

۳-۶. وسعت زیاد، فزونی جمعیت، کثرت حوزه های سکونتی، گوناگونی فرهنگها و تنوع

آستانه های جمعیتی حوزه ها منجر به عدم وجود شبکه های ارتباطی، زیستی، فرهنگی و ... در سطح حاشیه گردیده است.

۳-۷. نابسامانی و محرومیت شدید در وضعیت معیشت و فعالیتهای بسیار محدود اقتصادی.

۳-۸. نابسامانی در مدیریت، نبود مدیریت کارآمد و یکسان. این موضوع نابسامانیها را

تشدید، عملکرد آنها را نامطلوب، ساخت و سازها را غیر معقول و غیر منطقی و ... کرده است.

۳-۹. عامل عمده و بازدارنده، محدودیت شدید عوامل زیست محیطی از قبیل منابع آب،

خاک، هوا، اقلیم و ... است. این مهم در حال حاضر مشکلات زیادی را برای مجموعه شهری مشهد

به وجود آورده است. این مهم در حال حاضر مشکلات زیادی را برای مجموعه شهری مشهد به

وجود آورده است. هم اینک پتانسیلهای محیطی، توانایی پاسخگویی به جمعیت شهری مشهد را

ندارد، به بیان ساده مشهد با بحران عدم انطباق توانهای زیست محیطی و جمعیتی روبرو است. که

در صورت تداوم، بحرانهای زیست محیطی تبدیل به بحرانهای اجتماعی خواهد شد.

۳-۱۰. مجموعه عوامل بالا و نابسامانیهای موجود زمینه ساز بروز عوارض خاص اجتماعی،

اقتصادی، فرهنگی، کالبدی و زیست محیطی در حاشیه شهر شده است که اثرات و تبعات سوء

آنها اکولوژی اجتماعی شهر مشهد را نیز تحت تأثیر قرار داده و خواهد داد.

بنابراین نابسامانیهای موجود در داخل حاشیه شهری مشهد حاصل عملکرد و

سازوکارهای کلان ملی است که موجب در حال حرکت به سوی شهرهای پرتوان شده و

مشکلاتی را در ساختار فضا و سازمان فضایی مبدأ و مقصد خود به وجود آورده و موجب شده

است که مؤلفه های سازمان فضایی نواحی مهاجر فرست و مهاجر پذیر کارکرد مطلوب خود را از

دست داده و پیوند و تعامل بین مؤلفه های سازمان فضایی یعنی:

- نقاط (شهری و روستایی)

- سطوح و لکه ها (گستره های فعالیتهای انسانی نظیر مزارع، کارخانه، کارگاه، سطوح

طبیعی ناحیه و ...).

- قلمرو (محدوده های عرفی، ثبتي، و عملکردهای حاصل از مکانها و فعالیتهای جوامع

انسانی).

حالت مطلوب و آرایش مناسب خود را از دست بدهد. در این راستاست که مفهوم و

نقش اصلی ساماندهی فضا یعنی « انتظام مجدد الگوی استقرار مؤلفه های سازمان فضایی و آرایش

نوین و بهینه و سازگار با مقتضیات زمان و مکان » آشکار می شود.

با توجه به اینکه حاشیه شهر مشهد همانند سایر شهرهای مشابه به علت قرار گرفتن

در محل تلاقی فرهنگ شهری و فرهنگ روستایی و ... دارای سازمان فضایی ویژه ای است،

بنابراین ساماندهی آن نیز باید منطبق بر ماهیت آن، طرح و اجرا گردد. یعنی علاوه بر داشتن

نگرش منطقی نسبت به تحولات فضایی حاشیه شهر، رویکرد اندیشمندانه خود را متوجه عرصه

های بیرونی (روستایی و شهرهای کوچک) و درونی (شهر مشهد) نماید. چرا که تعامل و تقابل

این سه عرصه تحت تأثیر سیاستهای ما، چگونگی تحولات درونی و بیرونی، حاشیه شهر مشهد را

کنترل و موفقیت اهداف طرح ساماندهی را تضمین خواهد کرد.

از این رو با توجه به مفهوم عام ساماندهی و ماهیت سازمان قضایی حاشیه شهر

مشهد، می توان مقوله ساماندهی را در ابعاد مختلف محیطی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی،

فرهنگی، کالبدی و نهادی به کار گرفت که ناظر بر تنظیم عملکرد مطلوب اجزاء و عناصر تشکیل

دهنده سیستم در داخل خود و در ارتباط با عناصر تشکیل دهنده سیستمهای دیگر باشد. (سیستم

درونی، سیستم حاشیه، سیستم بیرونی).

در این راستا برطرف کردن مسائل و مشکلات حاشیه شهر با عنوان: ساماندهی

حاشیه شهر مشهد، مطالعاتی با اهداف و استراتژیهای مشخصی را، که در زیر به آنها می پردازیم،

طلب می کند تا پروژه هایی که وضعیت زندگی را در حاشیه شهر مشهد مطلوب و دلپذیر و در

داخل شهر مشهد مطمئن و امن نماید، تعریف کند تا با اجرای آنها به تدریج عرصه هایی را که با

تجمع بیش از حد مهاجران (از داخل شهر مشهد و خارج از آن) و پیدا کردن خصوصیات ویژه در

حاشیه شهر، تبدیل به هسته های بحران زامی کند، برطرف نماید.

۴. استراتژی کلی طرحها:

استراتژی کلی طرحهای ساماندهی باید در سه نگرش مکمل هم به شرح زیر تکوین یابد.

نگرش اول: نگاه مسئولان و شهروندان به حاشیه (بیرونی)

دیدگاهی است بیرونی ناظر به بررسی فضای ساماندهی جایگاه مهاجران و افرادی که در

حال حاضر در حاشیه شهر مسکن گزیده اند.

نگرش دوم: نگاه حاشیه نشینان به حاشیه (درونی)

نگرشی درونی است از بیرون، از نگاه مهاجران به شهر مشهد و عوامل جاذبه آن جهت

جلب مهاجر، چرا که بدون وجود عوامل جاذبه مهاجرت انجام نمی شود.

همانگونه که می بینیم نواحی کم توان، تحمل مهاجران وارده را نداشته یا در حد توان فرد

مهاجر پذیرفته اند.

نگرش سوم: نگاه مسئولان و حاشیه نشینان به حاشیه (درونی) - بیرونی یا

(مکمل)

نگرشی است ناظر بر تحولات درونی فضایی - کالبدی حاشیه شهر تحت تأثیر عوامل مؤثر

موجود درونی و بیرونی، به منظور ساماندهی حاشیه بایستی و مرزبندی آن بر اساس امکانات و

پتانسیل ها.

بنابراین طرح ساماندهی حاشیه بایستی با توجه به نگرش مکمل و ترکیبی به حاشیه

شهر، برنامه های خود را از نظر محتوا، مدت و سلسله مراتب در سه سطح زیر دنبال کند.

۱-۴. برنامه های کوتاه مدت:

شامل شناخت کامل حاشیه شهر مشهد، تهیه طرح هادی و تفصیلی برای سطح

ناحیه مورد مطالعه، تجهیز امکانات با توجه به نیاز ناحیه بر اساس نتایج مطالعات مقدماتی و از همه

مهمتر شروع اعمال سازوکارهایی که حاشیه شهر از پشت کاملاً برای ساخت و سازهای جدید و

تثبیت الکت های غیرقانونی ناامن کند. در حقیقت بدون اعمال این سازو کار، برنامه های

ساماندهی خود دنباله رو گسترش بی رویه شهر خواهد بود. یعنی با اعمال تمهیداتی چند و بهبود

نسبی وضع حاشیه اشتهای کاذبی را در افراد آماده مهاجرت به وجود می آورد که با مهاجرت آنها

به حاشیه، لایه دیگری تشکیل خواهد شد که خود مستلزم ساماندهی خواهد بود.

۲-۴. برنامه های میان مدت:

این برنامه که حداکثر تا پایان برنامه پنج ساله سوم طول می کشد. بر اساس نتایج

حاصله از مطالعات کوتاه مدت، تحلیل کامل حاشیه در بطن نظام شهری مشهد با اعمال طرحهای

تفصیلی مصوب یا راهبرد دیگری از جمله جداسازی کامل حاشیه به عنوان یک یا چند شهر تک

منظوری است، به گونه ای که تکلیف و عملکرد شهر مشهد با توجه به اهمیت داخلی و خارجی آن، ابعاد متوازی پیدا کرده و با یک روند گسترش معقول و قابل کنترل به تحولات خود ادامه بدهد.

عملیات اجرایی در این دوره باید به گونه ای طراحی و اجرا شود که حداقل مسکونی کاملاً تحت کنترل شهرداری مشهد قرار گیرد. از الزامات این برنامه ها نگرش جامع به دو طرف محدوده خدماتی شهرداری یعنی حاشیه انتهایی شهر مشهد و نواحی حاشیه مشهد و اعمال سازو کارهایی از قبیل اصلاح و تعدیل سرانه ها در کلیه زمینه ها در سطح ناحیه بالا خواهد بود.

۳-۴. برنامه های طولانی مدت

طرح ساماندهی در طولانی مدت سازو کار خود را در انطباق با برنامه های طولانی مدت شهری مشهد (برنامه های پنج ساله مشهد، برنامه بالاسری و ...) بر اساس راهبردهای بلند مدت حاصله از مطالعات شهر مشهد قرار خواهد داد و به تدریج در طرحهای مدیریت کلان شهری ادغام خواهد شد. بدیهی است در این مرحله، باید برنامه های مختلفی اجرا شود، از آن جمله می توان به تعریف مجدد سازو کارهای لازم برای فضای شهری و شهرهای استان به منظور کم کردن جاذبه شهری مشهد (همان نگرش درونی و بیرونی) اشاره نمود.

در حقیقت در این مرحله، مدیریت کلان شهری تمام سعی و کوشش خود را بر

اساس نتایج مطالعات مکان یابیها، امکان سنجیها و... در اصطلاح ساختارهای اساسی در سطح

ناحیه، به ویژه حاشیه شهری مشهد، متمرکز خواهد کرد که از هر نظر ناحیه آمادگی پذیرش پروژه ها را دارا باشد.

مسلم است این موضوع سازو کارهای قانونی ویژه و خلاقیت مدیریت کلان

شهری مشهد را طلب می کند، چرا که حاشیه شهر مشهد، حفاصل محدوده خدماتی و قانونی و

ناحیه استحفاظی به مراتب بیشتر تشنه سرمایه گذاری بهینه برای تأمین حاشیه امن شهری است، تا

خود محدوده شهر مشهد.

اینک با توجه به وضعیت ویژه شهر مشهد، تعریف و مفهوم ساماندهی، استراتژی

کلی طرحهای ساماندهی و ... می توان اهداف و سیاستهای کلان آن را به صورت خیلی مختصر به

شرح زیر مطرح نمود.

۵- اهداف

۵-۱. کنترل و هدایت مراکز جمعیتی حاشیه شهر مشهد با توجه به توسعه این شهر در

چارچوب طرحهای مصوب بدون انگیزش اشتباهی کاذب در افراد برای مهاجرت به مشهد.

۵-۲. تعیین نظام استقرار و اسکان در قالب الگوی زیستی مناسب.

۳-۵. ارتقاء کیفیت زیستی و محیطی از طریق پی ریزی نظام مطلوب و ممکن خدمات

رسانی به شهرکها و روستاها با گرفتن هزینه از ساکنان و قانونمند کردن ساخت و سازها.

۴-۵. فراهم نمودن زمینه های لازم در راستای هنجارسازی رفتارهای اجتماعی به منظور

افزایش ضریب امنیتی حاشیه شهرها با همکاری دستگاههای اجرایی ذی ربط.

۵-۵. ایجاد تعادل لازم در روند مهاجرت.

۶-۵. فراهم آوردن بسترهای لازم حقوقی و قانونی که می توانند نقش مؤثری در ارتقاء

کیفیت زندگی در بافتهای غیررسمی و قانونی کردن آنها ایفا کنند، زیرا مجموعه قوانین شهری

مشهد فاقد قانون زندگی جامع مدونی متناسب و ویژه بهسازی و نوسازی بافتهای شهری است.

۷-۵. فراهم آوردن زمینه های لازم جهت تسهیل فرایند اجرای برنامه های بهسازی و

نوسازی.

۸-۵. فراهم آوردن بستر مناسبی جهت دسترسی به منابع اعتباری و مالی دولتی و بخش

خصوصی.

۶- سیاستها

۱-۶. تعیین متولی برای سطوح مختلف جمعیتی موجود با توجه به وظایف و مسئولیتهای

سازمانها و ارگانهای ذی ربط.

۶-۲. جلب مشارکت مردمی و استفاده از همیاری و همکاری مردم و مساعدت از سایر

منابع مالی و اجرای طرح و برنامه ساماندهی.

۶-۳. هماهنگی و همکاری لازم بین دستگاهها و ارگانهای ذی ربط در راستای ساماندهی

مراکز جمعیتی.

۶-۴. توجه به موضوع اشتغال در مراکز جمعیتی.

۶-۵. توجه به وضعیت اجتماعی و اרוیح فرهنگ شهری و هنجارهای اجتماعی شهری.

۶-۶. حمایت از تشکیل سازمانهای غیر دولتی در کمکهای فنی برای ساکنان حاشیه.

۷- راهبردها و نتایج

با توجه به موضوع مورد مطالعه و ماهیت آن، استراتژی و اهداف و ابعاد گوناگون

آن، وسعت ناحیه و مهمتر از همه حساسیت موضوع مورد مطالعه، پروژه های اجرایی باید به

صورت مرحله ای با دقت کامل و در زمان مشخص و محدود ولی به صورت موازی هم، طراحی

و اجرا گردد. زیرا نتایج مقدماتی و مرحله ای حاصل از مطالعات، ممکن است به وسیله

عملکردهای شتابزده حاشیه نشینان که اصولاً خود را در مقابل طرح ساماندهی حاشیه شهری می

بینند، خنثی و بی اثر گردد.

بنابراین پروژه طرح ساماندهی ماهیتاً با توجه به گستردگی موضوع، گوناگونی

ابعاد، وسعت ناحیه مورد مطالعه، طیف گسترده و وسیع سازمانهای ذی ربط در این مورد تا حصول

نتیجه باید سیاستهای اجرایی و عملیات راهبردی ای را منطبق با شرایط اقتصادی، اجتماعی،

فرهنگی حاکم بر ناحیه در زمینه های معقول و منطقی اتخاذ و عملی نماید. برخی از این راهبردها

در بخشهای گوناگون برای ساماندهی حاشیه شهر مشهد به شرح زیر ارائه می شود:

الف) الگوی استقرار و وضعیت فیزیکی کالبدی شهر:

۱- محدود ساختن گسترش فیزیکی مشهد و تشدید رشد عمودی آن که مستلزم تصحیح

و تعدیل الگوی سکونت و استقرار مسکن در داخل محدوده شهر و حاشیه است. (که با در نظر

گرفتن تمامی جوانب آن و تنظیم برنامه های پنج ساله برای شهرداری مشهد، در راستای تحقق

اهداف برنامه های پنج ساله ملی، امکان پذیر است).

۲- تعیین حدود و محدود کردن ساخت و سازهای غیر مجاز و جهت دادن آنها به سوی

ساخت و سازهای موزون با رعایت تحت ضوابط برنامه های توسعه شهری و نیز کنترل و

مهار کردن مهاجران جدید و استفاده بهینه از اراضی حاشیه شهر و تعریف کاربری جدیدی برای

آن به منظور امکان سنجی و مکان یابی برای استقرار واحدهای مسکونی، تجاری، خدماتی،

تفریحی، فرهنگی و دادن راهبردی برای تعیین حدود شهر از نظر وضعیت مرفولوژیکی، طراحی و

برنامه ریزی شهری در نواحی مختلف حاشیه، به نحوی از انحاء کنترل و حاکمیت بر اراضی و یا

تملک اراضی در محدوده قانونی و استحقاقی را به ترتیب اولویت بر اساس ضوابط و مقررات

قانونی توسط شهرداری لازم و ضروری می نماید.

یکی از الزامات این اقدام شناخت کامل و همه جانبه وضعیت توپوگرافیکی منطقه، منابع طبیعی و زیست محیطی از قبیل منابع آب، خاک، پوشش گیاهی، استعدادهای کشاورزی و پتانسیل های طبیعی و نیز تشخیص نحوه آسیب پذیری منابع همانند: هوا، آب، خاک و غیره می باشد.

ب) ساخت و بافت جمعیت

مطالعه بافت و ساخت و ترکیب جمعیتی ناحیه از نقطه نظر سنی، جنسی، سواد، فرهنگ، مذهب، زبان، قوم و ... توزیع مکانی آنها در سطح ناحیه، وضعیت خانوارها، تراکم در واحد مسکونی، تراکم در اتاق، زادوولد و مرگ و میر، نرخ باروری و رشد جمعیت، پیشینه های تاریخی فرهنگی، نظام ارزشی و ویژگیهای روحی، روانی، قومی و در نهایت بررسی نحوه توزیع پراکندگی آنها در سطح ناحیه لازم و ضروری است.

ج) آسیب شناسی اجتماعی و شهری

بنابراین مطالعه جمعیت حاشیه شهری مشهد از نقطه نظر خصوصیات روحی و روانی آسیبهای اجتماعی، اعتیاد و غیره و بررسی علل ریشه ای آنها به منظور تأمین حاشیه ای امن برای شهر مشهد لازم و ضروری است. این موضوع به شناسایی تفاوتهای فرهنگ شهری و حاشیه شهری و پیدا کردن تبلورهای عینی آن در حاشیه بستگی دارد که زمینه را برای دادن راهبردهای لازم جهت تبدیل نابسامانیها و عرصه های بحران زا به محل امن و عرصه های مطلوب فراهم سازد.

د) وضع فعالیت اقتصادی اشتغال و بیکاری

۱- شناخت بافت جمعیتی ناحیه از نظر اشتغال، مهارتهای شغلی و ماهیت اشتغال.

۲- مشخص کردن پتانسیل کاری ناحیه و پیش بینی های مربوط به آن به منظور اشتغال

نسبی آنها در سطح خود ناحیه.

۳- کم کردن فاصله بین محل سکونت و محل کار.

بدیهی است تحقق این امر مستلزم تعریف انواع اشتغال و فعالیتهایی است که می

تواند در فضای جغرافیایی ناحیه شهری، نه به طور کامل بلکه به صورت نسبی، مستقل از درون

شهر مشهد به صورت تخصصی در حاشیه پا بگیرد.

ه) فضای کالبدی حاشیه شهر

بدیهی است دست یابی به یک فضای کالبدی مطلوب در گرو شناخت عمیق

جمعیت ناحیه، شبکه های ارتباطی، تعریف سطح برخورداری از خدمات برای ساکنان، در سطوح

و لکه های زیستی مختلف همراه با نواحی غیر مسکونی ولی با کاربری مشخص از قبیل مراکز و

سایتهای تفریحی، خدماتی، آموزشی، بهداشتی، کشاورزی به صورت کشتهای حاشیه ای و

گلخانه ای، باغهای پرورش گل، باغهای پرندگان، باغ وحش، فضاهای ورزشی، فرهنگسراها و ...

می باشد.

بدیهی است انتخاب نوع کاربری و هدف از آن در درجه اول باید در راستای

تثبیت گسترش حاشیه نشینی و محدود کردن آن و یا احتمالاً کشاندن آنها به فضاهای خالی

محدوده خدماتی، ساماندهی اشتغال وابسته به حاشیه و تخصصی، بریدن از شبکه درون شهری مشهد، ایجاد کمربند سبز و یا هر چیز دیگری که مانع جذب و اسکان مهاجران ناز به وارد ... می باشد که در نهایت به ایجاد هسته های سکونتی که بتواند فضای امنی را برای شهر مشهد به وجود آورد، منجر خواهد شد.

پایان سخن اینکه در مطالعات نواحی حاشیه کلانشهرها که تحت عناوین مختلف و متعدد از جمله حاشیه نشینی، اسکان غیررسمی، اسکان غیرقانونی، سکونتگاههای خودرو و نابسامان، اجتماعات آلونکی، بافت های بد مسکن ... مورد توجه قرار گرفته است نگرش ها باید به

گونه ای باشد که تحقق موارد ذیل را امکان پذیر یا دست کم در خلاف جهت آن حرکت نکند:

۱- نگاه به این نواحی نباید نگرش تهاجمی یا غیرقانونی باشد. درست است که ساکنین

حاشیه بصورت غیر مجاز و غیرقانونی در این نواحی مسکن گزیده اند ولی این امر نباید سیاستهای تخریب و تخلیه اجباری ساکنین حاشیه را به دنبال داشته باشد چیزی که در حال حاضر مطرود و خلاف ابتدائی ترین حقوق بشری تلقی می گردد. بنابراین راه حل مطلوب رویکرد مدارا گرایانه و

اصلاح تدریجی با رهیافت های مختلف و متعددی است که توانمندیهای حاشیه یکی از آنهاست که تبلیغات سوء کمتری دارد.

۲- نگرش به این نواحی نباید نگرشی انتزاعی و تک بعدی باشد بلکه باید حاشیه را با

هسته مرکزی و مجموعه را در هم تنیده در مجموعه منطقه ای و استانی و ملی در نظر گرفت در

حقیقت حاشیه علت نیست بلکه معلول سیاستهای ملی و روند تحولات ملی و جهانی است بنابراین مطالعات حاشیه و برخورد با آن باید در سطح کلان ملی و منطقه ای باشد.

۳- نگرش به حاشیه نشینی نباید به صورت پندارهای ناروا و سوءظن برانگیز باشد که خاستگاه کجرویهای اجتماعی و بروز جرائم و جنایت اند و حاشیه نشینان را افرادی در طلب جرم و جنایت، فساد، اعتیاد، ... قلمداد کرد. اگر چه شرایط اجتماعات غیررسمی (حاشیه) برای مخفی نگهداشتن خلاف کاران مناسب ترین مکانهاست ولی اکثریت ساکنان اجتماعات غیررسمی را مردمی زحمتکش و شریف تشکیل می دهند. بنابراین با ملحوظ داشتن آسیب پذیری شدید این ناحیه باید پتانسیل های بالای انسانی، اجتماعی، اقتصادی، طبیعی و ... آن را مورد توجه قرار داد که توانایی جذب هرگونه سرمایه گذاری را دارا می باشد.

۴- هرگونه بی توجهی به حاشیه و حاشیه نشینان به دلیل نگرانی از تشویق به مهاجرت و گسترش حاشیه، تبعات سوء و هزینه های به مراتب بیشتری را در بر خواهد داشت. این امر نگرش به حاشیه را به یک پارادکس تبدیل کرده است. زیرا عدم توجه به آن زیرپا گذاشتن حقوق مسلم انسانی است و رسیدگی به آن موجب تشویق مهاجرت افراد به حاشیه. بنابراین نگرش مطلوب باید حول محوری باشد که هدف آن جلوگیری از ورود افراد جدید به حاشیه نیست بلکه هدفش جلوگیری از تشکیل اجتماعات و لکه های جمعیتی فقر زده و توسعه نیافته است که البته خود سازو کار ویژه ای را طلب می کند.

۵- نکته آخر اینکه نگرش به حاشیه نشینان نباید به صورت گذرا و با ابعادی محدود باشد، زیرا روند تحولات جمعیت دنیا و پی گیری آن در شهرهای در حال توسعه نشان از آن دارد که بموازات رشد کلان شهرها فقر شهری افزایش یافته و بخش عمده ای از رشد شهرنشینی بر پایه اقتصاد غیررسمی و توأم با گسترش سکونتگاههای غیررسمی (حاشیه) صورت خواهد گرفت که این گرایش را غیررسمی شدن شهرنشینی نامیده اند. بر این اساس پدیده حاشیه نشینی مسأله ای گذرا و با ابعاد محدود نبوده و توافقی بر بقاء باز تولید و بسط آن وجود دارد که حاکی از عدم کفایت راه حل ها و سیاستهای شهری متداول است که رهیافت ها و اقدامات نوینی را طلب می

کند.

منابع و مآخذ

- ۱- در غیاب وجود یک سرشماری دقیق از آمار زائرین، توافق نسبی بر وجود دوازده میلیون زائر در بین سازمانها و مسئولین استانی وجود دارد.
- ۲- متأسفانه آمار دقیقی از اسکان غیررسمی (حاشیه نشینان) در ایران وجود ندارد و این برآورد کارشناسی مبتنی بر مطالعات پراکنده به ویژه گزارشات تهیه شده در بخش تحقیقات ساماندهی حاشیه شهر مشهد در سال ۱۳۸۱ می باشد.
- ۳- رحمانی، عباسعلی و همکاران، طرح راهبردی ساماندهی حاشیه شهر مشهد، مطالعات و بررسیهای اجتماعی و ... ، سال ۱۳۸۰، ص ۷۸.
- ۴- برای آگاهی بیشتر به کتاب شهرها، فقر و توسعه شهرنشینی در جهان سوم، ترجمه پرویز کریمی، انتشارات اداره کل روابط عمومی و بین المللی شهرداری، سال ۱۳۷۵ مراجعه شود.
- ۵- جواهرپور، مهرداد و داورپناه، بابک، سکونتگاههای ناپایدار اقشار کم درآمد شهری، هفت شهر، سال سوم، شماره هشتم، ص ۸۲.
- ۶- جوان، جعفر، طرح ساماندهی حاشیه مشهد، منتشر نشده، ساماندهی حاشیه شهر مشهد، سال ۱۳۸۱.
- ۷- پیران، پرویز، هفت شهر، سال سوم، شماره ۹ و ۱۰، ص ۱۳.
- ۸- صرافی، مظفر، هفت شهر، سال سوم، شماره هشتم، ص ۵.

۹- ائتلاف برای شهرهای فاقد آلونک نشین، هفت شهر، سال سوم، شماره ۹ و ۱۰، ص ۷۹.

۱۰- جهت اطلاعات بیشتر در این زمینه به گزارش بررسی شرایط اجتماعی و اقتصادی حاشیه

نشینان شهر مشهد، استانداری خراسان، سال ۱۳۷۱، تألیف حاتمی نژاد، و محمد زمردیان، مراجعه شود.

۱۱- رک، منبع شماره ۶، ص ۱۱.

۱۲- رک، منبع شماره ۳، ص ۲۰ تا ۲۵.

۱۳- رک، منبع شماره ۳، ص ۴ تا ۳۸.

۱۴- این مسأله خاص کلانشهر مشهد نیست بلکه غالب کلانشهرهای ایران با این دغدغه روبرو هستند. برای اطلاع بیشتر به منبع ارزشمند زیر مراجعه شود:

شیعه، اسماعیل، با شهر و منطقه در ایران، مرکز انتشارات دانشگاه علم و صنعت تهران، ۱۳۷۸، ص ۹۰.

۱۵- کاظمیان، غلامرضا، شناخت و ارزیابی مقدماتی اسکان غیررسمی در قوانین شهری ایران،

هفت شهر، سال سوم، شماره هشتم، ص ۷۱.

۱۶- جواهری پور، مهرداد، رک، منبع شمار، ۵، ص ۸۴.

۱۷- جوان جعفر، منبع شماره ۶، ص ۴۳.

۱۸- جوان، جعفر، رک، منبع شماره، ۶، ص ۱۱.

۱۹- میرفندرسکی، و همکاران، طرح راهبردی ساماندهی حاشیه شهر مشهد، منتشر نشده، سال

۱۳۸۱، ص ۴-۵-الف.

۲۰- کاظمیان، غلامرضا، هفت شهر، سال سوم، شماره ۸، ص ۷۶.

۲۱- پیران، پرویز، هفت شهر، سال سوم، شماره ۹ و ۱۰، ص ۱۳.

۲۲- صرافی، مظفر، هفت شهر، سال سوم، شماره ۸، ص ۵.